

The Reference of Security in the Shāhnāmeḥ of Ferdowsi¹

Abdolhamid Arakhteh¹, Najaf Lakzaee²

1. PhD., Student, Department of Political Science, Bagheral Uloom University; a member of the political studies association of the domain, Qom, Iran (**Corresponding author**). afrahkhtehabdolhamid@gmail.com

2. Professor, Department of Political Science, Bagheral Uloom University (AS), Qom, Iran. lakzaee@gmail.com

Abstract

The purpose of the present research is to study the reference of security in the Shāhnāmeḥ. In this regard, by using a descriptive-analytic method and analysis of poems in the Shāhnāmeḥ, based on the theoretical framework and the theory of two natures by Imam Khomeini, this study aims to search about the reference of security in the Shāhnāmeḥ of Ferdowsi. The results indicate that Ferdowsi has wisely commented about all social, cultural, and political issues such as security and that his viewpoints can be useful in security challenges. The reference of security in the worldly schools relies on regime, society, and people but in the transcendental school, it is defined and determined based on Islam. According to Shari'at, Ferdowsi refers to three references of security in the Shāhnāmeḥ including religion, country, and good king.

Keywords: Security, Shāhnāmeḥ, Ferdowsi, Religion, Country, Shahriyār (Monarch).

1. Received: 2021/06/05 ; Revised: 2021/08/23 ; Accepted: 2021/09/11

DOI: 10.22034/sm.2022.538237.1746

© the authors

<http://sm.psas.ir>

Publisher: Political Studies Association of the Seminary



مرجع امنیت در شاهنامه فردوسی^۱

عبدالحمید افراخته^۱، نجف لکزایی^۲

۱. دانشجوی دکتری، گروه علوم سیاسی، دانشگاه باقرالعلوم(ع)، قم، ایران (نویسنده مسئول).
afrahkhtehabdolhaid@gmail.com

۲. استاد، گروه علوم سیاسی، دانشگاه باقرالعلوم(ع)؛ عضو انجمن مطالعات سیاسی حوزه، قم، ایران.
najaf_lakzaee@yahoo.com

چکیده

هدف پژوهش حاضر بررسی مرجع امنیت در شاهنامه فردوسی است. در این راستا، این پژوهش با روش توصیفی-تحلیلی و تحلیل مضمون ابیات شاهنامه و با چارچوب نظری مبتنی بر نظریه دو فطرت امام خمینی، درصدد پاسخ به چپستی مرجع امنیت در شاهنامه فردوسی است نتایج حاکی از آن است که فردوسی در خصوص همه مسائل اجتماعی، فرهنگی و سیاسی و غیره، از جمله بحث امنیت، اندیشمندانه و دغدغه‌مند اظهارنظر کرده است که دیدگاه‌های او می‌تواند برای چالش‌های امنیتی راهگشا و مفید فایده باشد. مرجع امنیت در مکاتب متدانیه، مبتنی بر رژیم، دولت، جامعه و افراد بوده، اما در مکتب متعالیه مبتنی بر اسلام تعریف و تحدید می‌گردد. فردوسی با اقتباس از شریعت، به سه مرجع برای امنیت در شاهنامه اشاره می‌کند که به ترتیب شامل دین، کشور و شهریار خوب می‌شود.

واژه‌های کلیدی: امنیت، شاهنامه، فردوسی، دین، کشور، شهریار.

۱. تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۰۳/۱۵؛ تاریخ اصلاح: ۱۴۰۰/۰۶/۱۰؛ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۰۶/۲۰

۱. مقدمه

تجربه تاریخ زندگی انسان‌ها و جوامع بیانگر این واقعیت است که امنیت امری ضروری و حیاتی است، به گونه‌ای که همه نیازهای بشری، رفاه مادی و تعالی معنوی جوامع وابسته به وجود آن و در سایه‌سار امنیت ممکن می‌شود و حصول جامعه متعالی و پیشرفته بدون آن امکان‌پذیر نیست.

مسئله امنیت چنان برای جوامع انسانی مهم است که همه مکاتب اعم از الهی و غیر الهی به تبیین آن در عناوین مختلف پرداخته‌اند. در دین مبین اسلام امنیت یکی از اصول فردی و جمعی است که لازمه استفاده از مزایا و مواهب حیات محسوب می‌شود که قرآن یکی از اهداف استقرار حاکمیت خدا و حکومت صالحان را تحقق امنیت معرفی کرده است. از نیمه دوم قرن بیستم تاکنون، پیوسته مطالعات امنیتی در سطح جهان، در حال گسترش بوده است. نظریه‌پردازی در زمینه امنیت با توجه به اینکه حوزه مطالعات امنیتی، با پدیده امنیت به مثابه امری هنجاری سروکار دارد، به شدت آغشته به زمینه‌های ارزشی و بومی است و جز در سطح یافته‌های سخت‌افزاری قابل اقتباس و بهره‌برداری نیست؛ از این‌رو، مراجعه به سنت مطالعات امنیتی در علوم ایرانی-اسلامی امری لازم بوده و بازشناسی، بازسازی و نوسازی آن، متناسب با شرایط و اقتضانات ارزشی و کنونی جهان، به‌منظور ارائه راهکارهایی برای خروج جهان و به‌ویژه جهان اسلام از انحطاط امنیتی، از طریق ارائه مکتب امنیتی ایرانی-اسلامی، ضروری است. علی‌رغم اینکه مطالعات امنیتی در علوم اسلامی و ایرانی دارای پیشینه متنوع و عمیقی است، به گونه‌ای که می‌توانیم بگوئیم دارای شاخه‌ها و گرایش‌های متعددی است، با این حال، امروزه جای نظریه‌های اسلامی و ایرانی در حوزه مباحث امنیتی خالی است. امروزه نظریه‌های مطرح در حوزه امنیت غالباً غیر ایرانی، غیراسلامی و حتی غیردینی است؛ برای مثال تمامی نظریه‌های مطرح‌شده در کتاب‌های نظریه‌های امنیت، که از کتب مهم و مورد استفاده در مراکز مطالعات امنیتی در ایران است، غیرایرانی و غیراسلامی است (عبدالله‌خانی، ۱۳۸۹).

از آنجایی که ادبیات هر ملت، آینه تمام‌نمای اوضاع و احوال فرهنگی، اجتماعی، سیاسی و حتی امنیتی آن ملت در اعصار مختلف است، رجوع به متون ادبی می‌تواند برای ایجاد امنیت پایدار در آن جامعه کمک بنماید. یکی از مهم‌ترین آثار ادبی ایرانی-اسلامی، شاهنامه فردوسی است. شاهنامه فردوسی یکی از پرمایه‌ترین گنجینه‌های زبان فارسی بوده که توسط حکیم ابوالقاسم فردوسی سروده شد. شاهنامه نه تنها برای ایرانیان، بلکه برای جهان حائز اهمیت است؛ چراکه اساس و ذات بشری را مورد بررسی قرار داده و روی نقطه اصلی بشر که جدال نیکی و بدی است، دست گذاشته است.

شاهنامه، حماسه تاریخ ایران (پارس) را از زمان نخستین پادشاه، یعنی کیومرث، که فرمانروایی‌اش را

در روزگار آغازین بنیاد نهاد، تا شکست ایرانیان از اعراب مسلمان در اوایل قرن هفتم میلادی روایت می‌کند. فردوسی سرودن کتابش را چهار قرن پس از فروپاشی شاهنشاهی باستانی ساسانی و آمدن اسلام به ایران آغاز کرد (Davis, 1992).

فردوسی در شاهنامه با تلفیق ملی‌گرایی و دین‌باوری، طرحی نو درانداخته است (خالقی مطلق، ۱۳۸۱: ص ۱۲). وی با تلفیق هویت ایرانی با دین، به‌ویژه اندیشه شیعی، نماینده تلاش ایرانیان در پیوند میان این دو به‌شمار می‌رود و سعی دارد تا الگوی امنیت و توسعه پایدار را براساس این ترکیب اندیشه، استخراج نماید. دیباچه شاهنامه نشان‌دهنده اعتقادات و اندیشه‌های شاعر بوده و از اصول عقاید خویش دفاع کرده است (ابوالحسنی، ۱۳۷۶: ص ۱۴۳). خردورزی و عقل‌گرایی از اشتراکات ایرانیان باستان و پیروان مذهب شیعه بوده که در شاهنامه و خالق آن درهم‌آمیخته است (همان: ص ۱۴۸).

پژوهش حاضر با روش توصیفی-تحلیلی بر آن است تا مرجع امنیت را در شاهنامه استخراج نماید. در واقع، مرجع امنیت، قلب هر نظریه امنیتی به‌شمار می‌رود و از این‌رو، عزیمت‌گاه تحلیل و استخراج نظریه‌های امنیتی است. مرجع امنیت، از جمله ارکان تحلیلی امنیت در مکاتب و رهیافت‌های نظری مختلف بوده که در پاسخ به پرسش امنیت برای چه کسی؟ یا برای چه چیزی؟ شکل می‌گیرد و نقطه عزیمت بسیاری از مطالعات در تحلیل ایده امنیت می‌باشد. سازوکار شناسایی و تعیین آن نیز غالباً در دو دسته ایجابی و سلبی خلاصه می‌شود. به لحاظ سلبی، مرجع امنیت شامل بازیگران یا چیزهایی می‌شود که تهدیدات وجودی متوجه آن‌ها بوده و با تهدید بقاء، به لحاظ موجودیت‌شان روبه‌رو هستند. سازوکار ایجابی نیز مرجع امنیت را چیزی می‌داند که برای حفظ آن می‌توان به اقدامات اضطراری و خارج از رویه‌های عادی متوسل شد.

کاوش در مطالعات صورت گرفته پیرامون مفهوم امنیت، نشان می‌دهد که رویکرد غالب در این مطالعات، آغاز مطالعه از خلال طرح پرسش‌هایی در خصوص این مفهوم است و تفاوت میان آن‌ها غالباً به تنوع و تعدد این پرسش‌ها بازمی‌گردد. برخی با سه پرسش (چه کسی؟ چگونه؟ و چرا؟) به تحلیل ارکان امنیت پرداخته‌اند (افتخاری، ۱۳۸۳: ص ۳۴) و برخی همچون بالدوین^۱ (۱۹۹۷: ص ۱۳-۱۷)، تحلیل مفهومی امنیت را از خلال پاسخ به هفت پرسش کلیدی (برای چه کسی؟ برای کدام ارزش‌ها؟، چه

میزان؟، در برابر کدام تهدیدات؟، با کدام ابزارها؟، با چه هزینه‌ای؟ و در چه دوره زمانی؟ ممکن دانسته‌اند. در عین حال، آنچه در تمامی این مطالعات نقطه عزیمت یا آغازگاه به‌شمار می‌رود، پرسش «امنیت برای چه کسی» است و از این‌رو، با کمی احتیاط می‌توان گفت پاسخ به این پرسش، قلب هر نظریه امنیتی است که سایر مسائل به نوعی به آن ارتباط پیدا می‌کنند (ره‌پیک، ۱۳۸۷: ص ۵۰). پاسخ به این پرسش، چنانکه بوزان، ویور و دوویل (۱۳۸۶: ص ۶۷) تأکید می‌کنند، شامل چیزهایی می‌شود که به نظر می‌رسد در معرض تهدیدات وجودی هستند و از این‌رو، دعوی مشروعی برای بقاء دارند. به بیان دیگر، آن‌ها موضوع یا هدف ارجاع تهدیدات وجودی و اصل بقاء هستند و از این‌رو، مرجع امنیت نامیده می‌شوند. مطابق این تعریف، مکانیسم شناسایی مرجع امنیت و یا تعیین آن، شامل دو سازوکار عمده است. در مرتبه نخست، مرجع امنیت چیزی است که تهدید وجودی آن را هدف قرار داده و به لحاظ موجودیتش در معرض تهدید بقاء است. در مرتبه بعدی، مرجع امنیت شامل چیزی است که برای حفظ بقای آن می‌توان به تدابیر اضطراری متوسل شد. در ادامه پس از مفهوم‌شناسی امنیت، به بحث مرجع امنیت با روش تحلیل مضمون ابیات شاهنامه پرداخته خواهد شد.

۲. مفهوم‌شناسی امنیت

اینکه یک اندیشمند چه تصور یا تصدیقی از امنیت دارد، تأثیر تعیین‌کننده‌ای بر مرجع‌شناسی او در زمینه امنیت خواهد داشت. سه تعریف کلان از امنیت قابل احصاء است:

الف. امنیت به معنای نبود تهدید و ترس علیه ارزش‌های جامعه و نظام؛ به عبارت دیگر امنیت یعنی «توانایی کشورها و جوامع برای حفظ هویت مستقل و تمامیت آن‌ها» (بوزان، ۱۳۸۹: ص ۳۳).

ب. امنیت به معنای رضایت و یا وضعیتی که در آن بین خواسته‌ها و داشته‌ها در یک واحد سیاسی معین، متناسب با ضریب ایدئولوژیک (آن واحد)، تعادلی وجود دارد که نزد بازیگران (آن واحد)، تولید رضایت می‌کند (افتخاری، ۱۳۹۱: ص ۲۲-۲۳).

ج. امنیت به معنای مصون بودن از تهدیدات بیرونی، وجود رضایت‌مندی از شرایط زیست سیاسی، اقتصادی و اجتماعی در جامعه و وجود شرایط تعالی معنوی و روحی برای حصول به حیات طیبه. در تعریف اخیر به وضعیتی اشاره می‌شود که در آن ضمن مصونیت ارزش‌های حیاتی جامعه از تهدید، نوعی رضایت‌مندی در جامعه جهت حرکت به سوی قرب الهی وجود داشته باشد (لکزایی، ۱۳۹۳).

از آنجا که امنیت از جمله مفاهیم سازه‌ای می‌باشد؛ لذا، هر یک از مکاتب امنیتی می‌توانند آن را

براساس نظام فرهنگی و ارزشی خود تعریف کنند. با توجه به این مطلب، در نظریه‌ها و مکاتب امنیتی متدانی، امنیت به مصونیت «الف» از تعرض «ب» برای نیل به «ج» با در نظر داشت و محوریت بقای ابدی تعریف می‌شود (همان: ص ۱۳).

امنیت در شاهنامه به معنای متعدد، اما مرتبطی به کار رفته است؛ از جمله، امنیت در معنای مصونیت و عدم تعرض، اطمینان خاطر، نبود گزند، ترس نداشتن، شادی، آسایش، آبادانی، کردار نیک و غیره. برای نمونه، حکیم طوس در داستان رزم سهراب با گردآفرید به مفهوم امنیت اشاره کرده است:

«تورا بهتر آید که فرمان کنی / رخ لشکرت سوی توران کنی

نباشی بس ایمن به بازوی خویش / خورد گاو نادان ز پهلوی خویش»

(فردوسی، ۱۳۸۹: ص ۲۷۰-۲۷۱).

در این بیت گردآفرید به سهراب می‌گوید که بازوی تو نمی‌تواند مانع از عدم تعرض به تو و باعث ایمن بودن تو شود و اشاره به مفهوم امنیت دارد (کزازی، ۱۳۹۲: ص ۱۵۱).

«ز برگشتن دشمن ایمن مشو / زمان تا زمان آگهی خواه نو

بجایی که رستم بود پهلوان / تو ایمن بخسپی بیچند روان»

(فردوسی، ۱۳۸۹: پایان داستان فرود).

مهرآبادی در شرح ابیات فوق می‌نویسد: «[افراسیاب به پیران پهلوان گفت: پس تو از دشمنی که بازگشت، به زینهار مباحش و پیوسته از او آگهی یاب؛ و بدان در جایی که رستم، پهلوان باشد، نباید که بی‌ترس بخوابی]» (مهرآبادی، ۱۳۷۹: ج ۲، ص ۷۲۰). اگرچه ابیات فوق صراحتاً به متدانی بودن یا متعالی بودن مفهوم امنیت اشاره ندارند؛ اما قدر متیقن این است که بر اصل مفهوم امنیت اشاره دارند.

«خرد رهنمای و خرد دلگشای / خرد دست گیرد بهر دو سرا» (فردوسی، ۱۳۸۹: ص ۱۱).

مهرآبادی در شرح این بیت نیز آورده است: «خرد، هم راهنمای توست و هم دلگشای. خرد است که دست تورا در هر دو سرا گیرد» (مهرآبادی، ۱۳۷۹: ج ۲، ص ۳۲).

از بیت فوق مفهوم متعالی از امنیت استفاده می‌شود؛ زیرا به بقاء اخروی نیز توجه دارد. به این معنا که خردگرایی در هر دو سرا یاری‌دهنده انسان است. به عبارت دیگر، خردگرایی و حرکت بر محور خرد، امنیت را هم در دنیا و هم در آخرت تأمین می‌نماید.

همه موارد بیان شده نشانگر آن است که امنیت سازنده زندگی و مهم‌ترین ابعاد و حوزه‌های مربوط به آن است. نخستین و بزرگ‌ترین امنیت‌ساز، خداوند متعال است و در وهله بعد شاهان و پهلوانان هستند که با

تأسی و پیروی از پروردگار راه داد و دادگری پیشه می‌کنند و از این طریق برای شهرها و کشورها و مردم سرزمین خود امنیت می‌سازند.

در واقع، سراسر شاهنامه بازگویی اقدامات و سرنوشت پادشاهان و نخبگان است. پادشاهان و پهلوانانی که اقدامات آن‌ها یا امنیت‌زا است یا امنیت‌زدا. کسانی که دادگری، راستی، خردمندی، نیک‌گفتاری و... در پیش می‌گیرند، باعث خلق امنیت می‌شوند و آنان که در این مسیر گام نمی‌نهند و از آن روی برمی‌تابند، با اقدامات نابخردانه و تهی از خرد و راستی خود باعث آشوب و فتنه و شعله‌ور شدن آتش جنگ‌ها می‌شوند.

۳. مسئله پژوهش

رهیافت اسلامی که مبتنی بر جهان‌بینی توحیدی است، تصویری از ارزش‌های امنیتی و ضد امنیتی ارائه می‌دهد که در قیاس با رهیافت عرفی‌گرا، صرفاً مبتنی بر شرایط و مقتضیات جهان مادی نیست. از این رو، مرجع امنیت معیاری برای تعیین بالاترین ارزش‌های امنیتی و تهدیدهای وجودی علیه آن‌ها است، در جهان‌بینی توحیدی محدودیت‌های جهان‌بینی مادی را ندارد و بر این اساس، توجه به عوامل دنیوی برای طراحی مرجع امنیت، شرط لازم است؛ اما شرط کافی نیست. مبانی معرفتی، اعتقادی و معنوی مکتب اسلام، شرطی است که مرجع امنیت را هم از حیث سطح و هم از لحاظ عمق و بُعد توسعه می‌دهد. در حالی که «رهیافت سکولار بسیط و سطحی و متوجه عوامل مادی در فعلیت یافتن تهدید است. اگرچه این عوامل می‌تواند از تنوع قابل توجهی (اعم از سیاسی، اقتصادی، فرهنگی، فردی و...) برخوردار باشد؛ اما در نهایت محدود به قواعد و گستره امور مادی است» (افتخاری، ۱۳۹۲: ص ۵). با این فرض در بینش توحیدی شاهد ترکیبی از مراجع امنیت در سطوح فردی، جمعی، ملی، منطقه‌ای و جهانی و ابعاد سیاسی، اقتصادی، فرهنگی و اجتماعی هستیم. در این راستا، محققان داخلی تلاش کرده‌اند تا مرجع امنیت را توضیح دهند.

ضرورت مرجع امنیت از آن جهت است که در غیاب آن نه مسئله‌های امنیتی (تهدیدها) می‌تواند مطرح باشد و نه اهداف و غایات امنیتی موضوعیت پیدا می‌کند و نه خود امنیت امکان تحقق یا توسعه و گسترش دارد. مرجع امنیت مانند مفهوم امنیت، محل اختلاف و مناقشه است و امنیت‌پژوهان براساس فلسفه آگاهی، به ویژه مسائل مرتبط با هستی‌شناسی و معرفت‌شناسی، مرجع یا مراجع خاصی انتخاب کرده‌اند. در نتیجه، مرجع امنیت در مکاتب و رویکردهای نظری در حوزه مطالعات امنیتی پیرامون مفاهیمی همچون فرد، رژیم، جامعه، دولت و جامعه جهانی می‌چرخد. علاوه بر این، ساختار محیطی و به ویژه عناصر فرهنگی و نهادی در هر کشوری، الزاماتی را برای مکتب امنیتی دارد و مکتب امنیتی در

محیط‌های متفاوت دولت‌ها معانی مختلفی پیدا می‌کند. اما اینکه مرجع امنیت در شاهنامه چه مواردی بوده و مبتنی بر مکتب متعالیه است یا متدانیه، پرسشی است که پژوهش حاضر با روش توصیفی-تحلیلی و بر مبنای مفاهیم بنیادین شاهنامه، یعنی خرد و داد و تحلیل مضمون ابیات شاهنامه و چارچوب نظری دوفطرت امام خمینی به دنبال پاسخگویی به آن است.

۴. روش و چارچوب تحلیلی

چارچوب نظری پژوهش حاضر، نظریه دوفطرت امام خمینی و نظریه امنیت متعالیه در برابر امنیت متدانیه است. امام خمینی با استناد به حدیث جنود عقل و جهل، که از احادیث صحیح منقول از امام صادق (ع) است و با تکیه بر حکمت متعالیه، این نظریه را مطرح کرده است. در تقسیم اولیه فطرت به اصلی و تبعی و در تقسیم ثانویه، هر یک از این دو به مخموره و محجوبه تقسیم می‌شود. الگوی متعالیه که محصول جنود عقل و مبتنی بر فطرت مخموره است و وحدت دارد؛ دوم، الگوهای متدانیه یا متعارف که محصول جنود جهل و فطرت محجوبه بوده و کثرت دارد. در الگوی متدانیه تمام تلاش‌ها مصروف بقای دنیوی است، در حالی که در الگوی متعالیه و الهی، بقای دنیوی مقدمه بقای ابدی در نظر گرفته می‌شود. همین مسأله تفاوت جوهری دو نگاه در باب امنیت است که باعث می‌شود تمام عناصر دو مکتب نیز از یکدیگر متفاوت شوند. روش طبقه‌بندی داده‌ها، روش کیفی از نوع تحلیل مضمون^۱ است. منظور از پژوهش کیفی، هر نوع پژوهشی است که یافته‌هایی تولید کند که با کمک عملیات آماری یا سایر روش‌های شمارشی بدست نیامده باشد (استراوس و کربین، ۱۳۹۱: ص ۲۶).

تحلیل مضمون روشی برای تعیین، تحلیل و بیان مضامین (تم‌ها) موجود درون داده‌ها است و برای استخراج داده از متون و محتوا کاربرد دارد. این روش، جزء تحقیقات کیفی و روشی برای شناخت، تحلیل و گزارش الگوهای موجود در داده‌های کیفی بوده (عابدی جعفری و همکاران، ۱۳۹۰: ص ۱۵۴-۱۵۵) و نیز فرایند یا ابزاری برای تحلیل داده‌های متنی است؛ به این صورت که داده‌های پراکنده و گوناگون را به داده‌هایی غنی و تفصیلی تبدیل می‌کند. انعطاف‌پذیری این روش، یک ویژگی بسیار مهم و کلیدی آن است (براون و کلارک، ۲۰۰۶: ص ۷۸-۸۰) و می‌توان به خوبی برای شناخت الگوهای موجود در داده‌های کیفی از آن بهره برد.

به طور خلاصه می‌توان گفت که تحلیل مضمون، از جمله روش‌های غیر واکنشی و غیر مداخله‌ای بوده که مهم‌ترین کار آن، کدبندی و مقوله‌بندی مفاهیم است (صدیق سروستانی، ۱۳۷۵: ص ۹۱) و همیشه این محقق است که تصمیم می‌گیرد به چه مطالب و داده‌هایی توجه کند و به کدام یک توجه نکند. بنابراین، مهارت، ابتکار و اطلاعات محقق نقش بسیار تعیین‌کننده‌ای را در این روش دارد.

در این پژوهش، ابیات شاهنامه، متن اصلی برای استخراج تم‌ها و مضامین پژوهش به‌شمار می‌آید. با استفاده از تکنیک تلخیص در تحلیل محتوا، ابتدا مطالب مرتبط با موضوع مرجع امنیت، شناسایی و استخراج شده و سپس فرآیند کدگذاری متن‌ها با توجه به اطلاعات تخصصی نویسنده و مفهوم برداشت شده از ابیات انجام می‌گیرد و با برقراری ارتباط بین مفاهیم بر مبنای ویژگی‌هایشان و سامان‌دهی بین آن‌ها، مضامین به دست آمده در قالب تم‌ها و مضامین تقسیم می‌شوند. در نهایت، شبکه مضامین تم‌ها ساختار داده شده و هسته مرکزی آن تعیین می‌گردد. تحقیق حاضر با استفاده از روش مذکور با همه دشواری‌های آن، باعث شد تا نظرات محققان در حداقل ممکن در نتایج و یافته‌ها تأثیرگذار باشد.

۵. یافته‌های پژوهش

متن پایه پژوهش حاضر، شاهنامه فردوسی است. با بررسی ابیات شاهنامه فردوسی و بر مبنای چارچوب تحلیلی دوفطرت امام خمینی مشخص شد که مرجع امنیت در مکاتب متدانیه، مبتنی بر رژیم، دولت، جامعه و افراد است؛ اما در مکتب متعالیه مبتنی بر اسلام تعریف و تحدید می‌گردد؛ لذا، فردوسی با اقتباس از شریعت، به سه مرجع برای امنیت در شاهنامه اشاره می‌کند که به ترتیب شامل دین، کشور و شهریار خوب است.

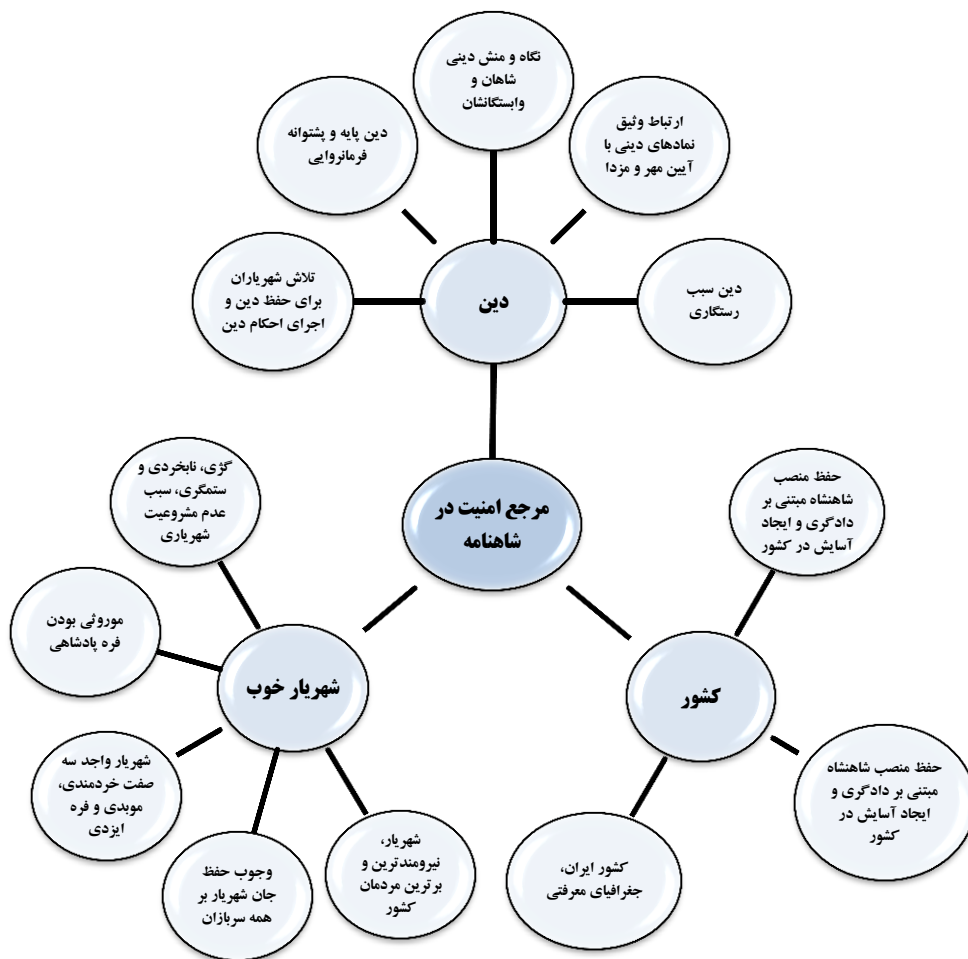
جدول شماره ۱- مرجع امنیت در مکاتب مختلف

عنوان	پاسخ نظریه‌ها و مکاتب امنیتی متدانیه	پاسخ نظریه‌ها و مکاتب امنیتی متعالیه	پاسخ‌های فردوسی در شاهنامه
مرجع امنیت	رژیم/ دولت/ جامعه/ فرد	اسلام	دین، کشور، شهریار

برای دست یافتن به مرجع امنیت در شاهنامه با روش تحلیل مضمون، ابتدا ابیات مرتبط با موضوع پژوهش شناسایی و انتخاب شدند. سپس با توجه به مفهوم برداشت شده از ابیات، کدگذاری و دسته‌بندی صورت گرفت که یک قالب مضامین ۱۱۷ تمی به دست آمد. در گام بعدی این تم‌های پایه در شبکه

مضامین به هم ارتباط داده شدند و سه تم اصلی و یک تم مرکزی به دست آمد. بر این اساس، ساختار پژوهش حاضر صورت‌بندی شد. ملاک و معیار برگزیدن این تم مرکزی، محتوای برداشت شده از قالب مضامین و شبکه مضامین بود. همچنین ملاک کدگذاری در هر مرحله و نام‌گذاری تم‌ها، براساس مضمون برداشته شده از محتوای متن‌ها، در نظر گرفتن گفتمان کلی اندیشه فردوسی و ابتکار و تخصص و اطلاعات علمی محققان بوده است.

شکل ۱- شبکه مضامین پژوهش



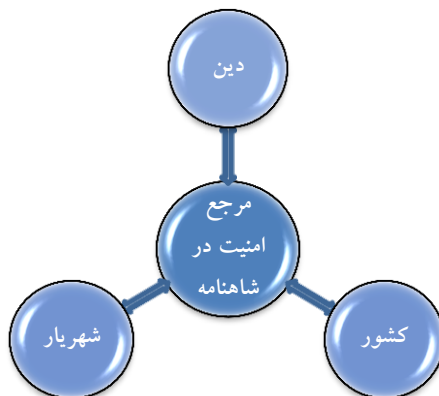
شبکه مضامین این پژوهش را تم مرکزی «مرجع امنیت» با سه تم اصلی و ۱۳ تم فرعی و ۱۱۷ مفهوم پایه، صورت‌بندی می‌کند. در جدول شماره (۲) قالب مضامین با جزئیات تم‌های آن ارائه شده است:

جدول شماره ۲- مضامین مرجع امنیت در شاهنامه فردوسی

تم اصلی	تم فرعی	تعداد مفاهیم پایه
دین	تلاش شهریان برای حفظ دین و اجرای احکام دین	۳۱
	دین پایه و پشتوانه فرمانروایی	
	نگاه و منش دینی شاهان و وابستگانشان	
	ارتباط وثیق نمادهای دینی با آیین مهر و مزدا	
	دین سبب رستگاری	
کشور	حفظ و پاسداشت حریم کشور، مهم‌ترین مسئولیت شاهان، پهلوانان و مردم	۳۱
	حفظ منصب شاهنشاه مبتنی بر دادگری و ایجاد آسایش در کشور	
	کشور ایران، جغرافیای معرفتی	
شهریار خوب	شهریار، نیرومندترین و برترین مردمان کشور	۵۵
	وجوب حفظ جان شهریار بر همه سربازان	
	شهریار واجد سه صفت خردمندی، موبدی و فره ایزدی	
	موروثی بودن فره پادشاهی	
	گزی، نابخردی و ستمگری، سبب عدم مشروعیت شهریاری	
۳ تم اصلی	۱۳ تم فرعی	۱۱۷ مفهوم پایه

براساس یافته‌های پژوهش حاضر، مرجع امنیت شامل دین، کشور و شهریار خوب، جزء بسترها و شرایط زمینه‌ساز تحقق امنیت است که به وقوع یا گسترش امنیت می‌انجامد؛ با این تبیین که مشروعیت و مقبولیت امنیت در سطح جامعه از شرایط زمینه‌ای بوده و مرجع امنیت سبب‌ساز و زمینه‌ساز ایجاد بسترهای تحقق امنیت است. در ادامه، به جهت تحلیل تم مرکزی و مسئله پژوهش، تم‌های اصلی پژوهش تبیین خواهد شد. تم‌های اصلی عبارت است از:

- «دین»: با ۵ تم فرعی و ۳۱ مفهوم پایه
- «کشور»: با ۳ تم فرعی و ۳۱ مفهوم پایه
- «شهریار خوب»: با ۵ تم فرعی و ۵۵ مفهوم پایه



شکل شماره ۲- تم‌های اصلی و هسته مرکزی پژوهش

۵-۱. دین

همان‌طور که ذکر شد، دین اولین و مهم‌ترین مرجع امنیت در شاهنامه است. دین مردم ایران در این دوره‌ها پرستش مظاهر طبیعی بوده و اکثر آن‌ها خورشید، ماه، ستاره، آسمان و... را می‌پرستیدند. تا پیش از ظهور زرتشت ایرانیان تحت تأثیر عوامل طبیعی و فرشتگان بودند و چندگانه‌پرستی در بین آن‌ها رواج داشت. با ظهور زرتشت و گسترش تعالیم او، ایرانیان از چندگانه‌پرستی دست کشیده و به یکتا‌پرستی روی آوردند. در اشعار شاهنامه فردوسی آمده است که شاهان و پهلوانان باستانی ایران‌زمین، در اثر تعالیم زرتشت مردمی جوانمرد و بخشنده بودند که بر علیه ظلم و ستم قیام می‌کردند و رفتارشان با ملل مغلوب به خوبی بوده و از گناهان آنان می‌گذشتند و از نخبگان آنان استفاده نموده و از آنان تجلیل می‌نمودند.

در جنگ و پیکار هم پهلوانان بر مبنای کیش و آیین خود عمل می‌کردند، چنانکه رستم در مبارزه با سهراب راه و رسم مبارزه خود را خاص و به طریق دیگری می‌داند:

دگرگونه‌تر باشد آیین ما / جز این باشد آرایش دین ما (فردوسی، ۱۳۸۹: ص ۱۳۲).

۵-۱-۱. تلاش شهریاران برای حفظ دین و اجرای احکام دین

در شاهنامه پادشاهان نخستین برای پیروزی دین بر آیین دیوها و اهریمنان تلاش می‌کردند و وظیفه نظارت بر اجرای احکام دین را نیز بر عهده داشتند و در مقابل هر عاملی که تهدیدکننده دین بود، مقابله می‌کرد. اما از دوره گشتاسب به بعد، این نوع مواجهه با دین اندکی تغییر کرد.

«ز یزدان بخواید تا همچین / دل ما بدارد به آیین و دین
 بترس از خداوند جان و روان / که هست او توانا و ما ناتوان
 چو بر دین کند شهریار آفرین / برادر شود شهریاری و دین
 همم دین و هم فره ایزدی است / همم بخت نیکی و هم بخردی است»
 (همان: ص ۸۸۹).

عده‌ای حتی جنگ رستم و اسفندیار را جنگ بین دو آیین مهر و بهی یا زرتشتی می‌دانند.
 «علی را چنین گفت و دیگر همین / کز ایشان قوی شد به هرگونه دین» (همان: ص ۴).
 در این بیت فردوسی هدف حضرت علی (ع) را حفظ امنیت دین می‌داند.
 در شاهنامه، دین دو معنای اصلی دارد: یکی به معنای وجدان و دیگری به معنی مصطلح، آیین و راه و رسم و اعتقاد و باوری خاص. جلوه سه آیین مهر، مزدا و زروان در شاهنامه بیش از هر آیین دیگری است؛ به گونه‌ای که تا دوره گشتاسب، فروغ مهر یا میترا بر شاهنامه گسترده شده و از گشتاسب تا پایان بهمن نامه، شعله آیین مزدا یا زرتشت.

۵-۱-۲. دین پایه و پشتوانه فرمانروایی

با کمی دقت در شاهنامه فردوسی می‌توان به چگونگی رابطه دین و فرمانروایی پی برد. به نظر می‌رسد فرمانروایی و شهریاری پایه و پشتوانه ایزدی دارد. در شاهنامه از زبان جمشید می‌شنویم: «همم شهریاری همم موبدی».

جلوه‌گاه دیگر ارتباط دین و فرمانروایی در شاهنامه، پندهای اردشیر بابکان بوده که آن هم قابل تأمل است. در نگاه اردشیر، پادشاه و دین، پاسبان هم هستند؛ یعنی دین می‌تواند نقش بازدارنده برای شاه داشته باشد و به گونه‌ای پاسبان او باشد و پادشاه هم به گونه‌ای دیگر نگهبان دین.
 سخن فردوسی درباره دین این است که:

«نه از پادشایی نیازست دین / نه بی‌دین بود شاه را آفرین
 چو باشد خداوند رأی و خرد / دوگیتی همی مرد دینی برد
 هرآن کس که بر دادگر شهریار / گشاید زبان، مرد دینش مدار
 چه گفت آن سخنگوی با آفرین / که چون بنگری مغز دادست دین
 به بخشندگی یاز و دین و خرد / دروغ ایچ تا با تو برنگذرد»
 (همان: ص ۱۸۳۲).

باز هم آنچه در این بیت‌ها و پندها مهم است، کارکردهای اخلاقی برخاسته و منتج از پرورش دینی است؛ نه کارکردهای عبادی و نه آمیختگی‌اش در امر فرمانروایی.

در پندهای بزرگمهر به انوشیروان می‌خوانیم:

«بدو گفت شاها به دینی گرای / کزو نگسلد یادکرد خدای» (همان: ص ۲۰۳)،

و به موبد هم می‌گوید:

«بی‌آزاری و سودمندی گزین / که این است فرهنگ و آیین دین

چو بر دین کند شهریار آفرین / برادر شود شهریاری و دین

نه بی‌تخت شاهی است دینی / پبای نه بی‌دین بود شهریاری بجای

دو دیباست یک در دگر بافته / برآورده پیش خرد تافته

نه از پادشا بی‌نیازست دین / نه بی‌دین بود شاه را آفرین

چنین پاسبانان یکدیگرند / تو گویی که در زیر یک چادرند

نه آن زین نه این زان بود بی‌نیاز / دو انباز دیدیمشان نیک‌ساز

چو باشد خداوند رأی و خرد / دو گیتی همی مرد دینی برد

چو دین را بود پادشا پاسبان / تو این هر دو را جز برادر مخوان

چو دین‌دار کین دارد از پادشا / مخوان تا توانی ورا پارسا

هر انکس که بر دادگر شهریار / گشاید زبان مرد دینش مدار»

(همان: ص ۱۹۴).

مهرآبادی در شرح ابعاد فوق می‌نویسند:

«چون شهریاری بر کیش باشد، دیگر پادشاهی و کیش با یکدیگر برادر گردند. نه کیش، بی‌تخت شاهی

بر پای خواهد بود و نه شهریاری، بی‌کیش بر جای می‌ماند. کیش و پادشاهی، دو بنیادی هستند که در

یکدیگر بافته شده‌اند. نه کیش از پادشاه بی‌نیاز است و نه بی‌کیش، بر شاه آفرین خواهد بود. این دو چنان

پاسبان یکدیگر هستند که گویی هر دو به زیر یک چادرند. نه آن از این بی‌نیاز است و نه این از آن. هر دو،

دو یار نیک سازند. خردمند داند که مردی که بر کیش باشد، در هر دو گیتی کامروا خواهد بود. چون پادشاه

پاسبان کیش باشد، پس تو این هر دو را برادر بخوان. هر کسی که زبان بر شهریاری دادگر بگشاید، دیگر او

را مرد کیش مخوان. چون کسی که بر کیش باشد، از پادشاه کینه‌ای داشته باشد، به هوش باش تا او را پارسا

نخوانی» (مهرآبادی، ۱۳۷۹: ج ۲، ص ۸۱۴-۸۱۵).

از ابیات فوق فهمیده می‌شود که به دلیل ارتباط وثیق میان دین و نظام سیاسی در جامعه، و جایگاه کلیدی آن دو در شاهنامه، دین و حکومت به عنوان مرجع امنیت محسوب می‌شوند. با این حال، از ابیات دیگری مانند ابیات ذیل نیز استفاده می‌شود که فقط دین، مرجع امنیت به حساب می‌آید.

«بدو بگرو آن دین یزدان بود / نگه کن ز سر تا چه پیمان بود (فردوسی، ۱۳۸۹: ص ۲۴۸)

تو مگذار هرگز ره ایزدی / که نیکی ازویست و هم زو بدی» (همان: ص ۲۴۶).

مهرآبادی در شرح ابیات فوق می‌نویسد:

«پس هشدار که هرگز سر از دین خدای می‌چی؛ چه دینداری، اندیشه پاک می‌آورد. اکنون از آینده بشنو که داوری ای نو در گیتی شود و موبدی از خاور زمین به پیامبری بیاید. پس، به هوش باش تا هرگز بر او نتازی و به او گرای چه آن دین، دین یزدان باشد و تو هرگز دین یزدان را رها مکن، که نیکی و بدی از اوست» (مهرآبادی، ۱۳۷۹: ج ۱، ص ۲۴۱).

۳-۱-۵. نگاه و منش دینی شاهان و وابستگانشان

در دوره تهمورث: شهرسپ وزیر او به گفته فردوسی بزرگ، اهل عبادت بوده است. مرداس شبگیر به پرستش می‌نشسته است. فریدون هم «پرستیدن مهرگان دین اوست». کی خسرو پرنگ‌ترین جلوه‌های دینداری پیش از ظهور زرتشت را در شاهنامه به خود اختصاص داده است و سرانجامی عارفانه و معنوی برای خود رقم می‌زند و در پرستشگاه، روزها به نیایش و دعا می‌پردازد:

چنین پنج هفته خروشان به پای / همی بود بر پیش گیهان خدای (فردوسی، ۱۳۸۹: ص ۳۸۸).

در مجموع نگرش شاهان نیک شاهنامه به مقوله دین، از منشور اخلاق می‌گذرد و به نظر می‌رسد مفهوم دین در چهار گزینه اخلاقی، فرهنگی خردمندی، راستی و بی‌آزاری و یزدان‌پرستی خلاصه می‌شود. جای جای شاهنامه فراخوان به این چهار مؤلفه رفتاری نیکو است و یزدان‌پرستی و پاکی کافی است تا انسان (نیازد به کردار بد، هیچ دست) (همان: ص ۱۵۳).

۴-۱-۵. ارتباط وثیق نمادهای دینی با آیین مهر و مزدا

الف) مهر یا میترا: ارتباط نزدیکی با خورشید دارد. خورشید و مهر دو یار هماهنگ هستند. نیایش مهری که رو به خورشید و ماه است، در سرتاسر شاهنامه تا حضور رستم، نیایش و سوگند به ماه و خورشید دیده می‌شود، برخاسته از این باور و ارتباط اسطوره‌ای است. شاید تشبیه شاهان مهری و گاه پهلوان مهری به

خورشید هم بر این اساس باشد (بهار، ۱۳۸۸).

ب) آب: شاهان مهری معمولاً در کنار چشمه پدیدار می‌شوند یا حتی در داستان کی‌خسرو، او در کنار چشمه‌ای از پهلوانان وداع می‌کند و در برف ناپدید می‌شود. فریدون و کی‌خسرو از آب می‌گذرند و یکی از خان‌های رستم در هفت‌خان، گذر از عطش و تشنگی در بیابان و رسیدن به چشمه است. آب رمزی از میلادی نو، برکت‌بخشی و نعمت‌دهی و خرسندی است.

ج) شیر و شاه: نماد مهر است. در تندیس شیر و گاو، شیر می‌تواند نماد مهر باشد که گاو را قربانی می‌کند و با قربانی کردن گاو، از اندام‌ها و خون او گیاهان و حیوان‌ها به وجود می‌آیند. پس، شیر نماد مهر و مظهر نعمت بودن و برکت‌بخشی شاهان است (همان).

۵-۱-۵. دین سبب رستگاری

دین چه در مفهوم وجدان باشد، چه در معنای باور و اعتقاد؛ همراهی آن با دانش و خرد و راستی بایسته و شایسته است و سبب راه رستگاری و درستی و راستی می‌شود. فردوسی اینگونه می‌سراید:

«تورا دانش و دین رهاند درست / ره رستگاری بیایدت جست» (فردوسی، ۱۳۸۹: ص ۱۸).

«مگردان سر از دین و از راستی / که خشم خدای آورد کاستی

گرت هست جام می زردخواه / به دل خرمی را مدان از گناه»

(همان: ص ۱۰۹).

شاهان و پهلوانان تلاش می‌کردند تا خورشید دین در جهان افروخته شده و روشنایی دهد. در داستان آوردن گیو گرگین نزد پادشاه آمده است:

«بمان تا بیاید مه فرودین / که بفروزد اندر جهان هور دین» (همان: ص ۴۴۸)

«همش هوش داری و هم زور و کین / شناسای هر کار و جوایای دین» (همان: ص ۴۷۹).

۵-۲. کشور

کشور دومین مرجع مهم امنیت در شاهنامه است. کشور پدیده‌ای انسانی و حاصل بینش سیاسی اوست. این مفهوم دربرگیرنده واحدهای سیاسی - جغرافیایی مستقل بوده که برجسته‌ترین تقسیم‌بندی جهان کنونی را شکل می‌دهند و همزمان با شکل‌گیری سیاسی ایران در دوره هخامنشیان، واقعیت پیدا کرد. در دوره اشکانیان، نهاد کشور در ایران تداوم یافت و در دوره ساسانیان با پرداخته شدن مفهوم ایرانشهر، کشور و هویت ملی ایرانی تثبیت شد. با ورود اسلام، ایران جزئی از دارالاسلام و مردم ایران جزئی از امت

اسلام شدند. عدم توجه به مفاهیم سرزمینی و مرزهای سیاسی در این دوره، نظام کشور را در ایران برهم زد. فردوسی در این عصر شاهد تاخت و تاز، ناامنی و فراز و فرود حکومت‌ها است. از این‌رو، با توجه به منابع کهن ایرانی و آیین‌های کشورداری دوره ساسانی، به خلق شاهنامه پرداخت.

۵-۲-۱. حفظ و پاسداشت حریم کشور، مهم‌ترین مسئولیت شاهان، پهلوانان و مردم

شاهان ایرانی، امنیت کشور را بر حفظ جان خویش مقدم می‌دانستند. این امر در حماسه‌های هند و اروپایی بی‌سابقه است. وابستگی عاطفی ایرانیان به سرزمین خویش، یعنی میهن‌پرستی و ایران دوستی، قدمتی هزاران ساله دارد و به صورت کتبی و مدون در شاهنامه فردوسی موجود است. در شاهنامه مسأله امنیت و حفظ کشور در برابر مهاجم بیگانگان، از هزاران سال پیش وظیفه اصلی هم‌میهنان ما بوده و همه آحاد جامعه نسبت به آن احساس مسئولیت و تعهد می‌کنند. شاهان، آن را یکی از مهم‌ترین مسئولیت‌های خود می‌دانستند و معمولاً تا این امر حاصل نمی‌شد، به امور دیگر نمی‌پرداختند.

«همه روی کشور نگهبان نشاند / چو ایمن شد از دشت لشکر براند» (همان: ص ۱۲۸)

خون‌های بسیاری از پهلوانان، شاهان و مردم با حرفه‌های مختلف در راه پاسداشت حریم کشور بر زمین ریخته شد. اهمیت ایران به معنی سرزمینی که فقط به ایرانیان تعلق دارد، در جاهای مختلف شاهنامه آمده است. مثلاً در داستانی، شاه، کشور ایران را به باغی پر از گل و میوه تشبیه می‌کند که ساکنان آن باید با نیروی سپاه و مردانگی خویش، آن را از هجوم بیگانگان حفظ کنند:

«که ایران چو باغیست خرم بهار / شکفته همیشه گل کامگار

پر از نرگس و نار و سیب و بهی / چو پالیز گردد ز مردم تهی

سپرغم یکایک زین برکنند / همه شاخ نار و بهی بشکنند

سپاه و سلیح است دیوار اوی / به پرچینش بر، نیزه‌ها خار اوی»

(همان: ص ۱۳۲۸).

۵-۲-۲. حفظ منصب شاهنشاه مبتنی بر دادگری و ایجاد آسایش در کشور

شاهنشاه هم تا زمانی می‌توانست در منصب خودش باقی بماند که در کشور دادگری پیشه کند:

«اگر کشور آباد داری به داد / بمانی تو آباد وز داد شاد» (همان: ص ۴۲۳).

شاه نگهبان کشور است و وظیفه پاسداری از آن را با کمک پهلوانان بر عهده دارد:

«نگهبان کشور به هنگام شاه / از اوی است رخشنده فرخ کلاه» (همان: ص ۱۰۲).

همه تلاش‌ها برای حفظ کشور بود و اینکه در آن آشوب به پا نشود:

«اگر ما نشوریم بهتر بود / کزین جنبش آشوب کشور بود» (همان: ص ۱۰۴).

همچنین تلاش‌ها برای ایجاد آسایش در آن بود:

«سراسر همه کشور آراسته / ز دیبا و دینار و ز خواسته» (همان: ص ۱۳۰).

«برآساید از کین دو کشور مگر / اگر آردش نزد ما دادگر» (همان: ص ۲۱۱).

«دو کشور بدین آشتی شاد گشت / دل شاه چون تیغ پولاد گشت» (همان: ص ۲۳۳).

اما گاهی این مرجع امنیت با بی‌خردی‌های شاهان دچار آشوب می‌شد و امنیت مردم سلب می‌گردید:

«دو کشور سراسر پر از شور بود / جهان را دل از آشتی کور بود» (همان: ص ۲۳۶).

پر از رنج گردد سراسر زمین / دو کشور شود پر ز شمشیر و کین» (همان: ص ۲۴۷).

۵-۲-۳. کشور ایران، جغرافیای معرفتی

برخی از پژوهشگران، ایران در تفکر فردوسی را بدون مرز جغرافیایی، نژاد و قوم انگاشته‌اند. به باور ایشان، ایران در شاهنامه شکلی از فرهنگ است که نگاه جهانی دارد و شرق و غرب را هم دربرمی‌گیرد. در این تقسیم‌بندی، توران شرق جهان، روم غرب جهان و ایران مرکز جهان است.

در نقشه‌های اسلامی که مکه در مرکز جهان بوده، صحرای عربستان نیز جزء قلمروی ایران بزرگ در نظر گرفته می‌شده است. به گفته این پژوهشگران، ایران یک جغرافیای زمین‌شناختی نیست، بلکه یک جغرافیای معرفتی بوده و معنای مرکز بودن در زمین، معنای سیاسی و جوهری دارد. فریدون، پادشاه بزرگ ایران بر ضحاک پیروز شد، تا آن زمان پادشاهان شاهنامه که پادشاه ایران هستند، در واقع پادشاهان جهان هستند. در زمان فریدون به دلیل گسترش جهان و افزایش جمعیت، دیگر با یک پادشاه نمی‌شد جهان را اداره کرد. فریدون سه فرزند به نام‌های سلم، تور و ایرج داشت که مقرر شد زمین را بین سه فرزندش تقسیم کند. در این بین پادشاهی بر سرزمین مرکزی بسیار رشک برانگیزتر است. فریدون بین فرزندان، ایران را به ایرج می‌دهد و توران را به تور می‌دهد که نماد شرق است و روم را به سلم که نماد غرب است، تقدیم می‌کند.

نام ایران در شاهنامه فردوسی دو هزار بار به صورت‌های مختلف به کار رفته، شاهنامه نزدیک به شصت هزار بیت دارد، بیش از هزار و چهارصد بار واژه ایران به تنهایی، و واژگان ایران زمین، ایرانشهر و ایرانی و... هم صدها بار تکرار شده است.

نام ایران، یعنی جایگاه ایر، سرزمین ایر، یا اراں سرزمین آر است، ایر همان آر است. از هزاره اول گاه ایرانی، سرزمین دارای تمدن آرمین، آرام، آراین و... را ایران یا آریانا نامیدند که آثاری از آنها باقی است. «ایران چو باغیست خرم بهار / شکفته همیشه گل کامگار» (همان: ص ۲۷).

حکیم طوس در ابیات زیر به صراحت ایران را مرجع امنیت دانسته و به دشمنان ایران زمین هشدار می‌دهد که هرگونه تعرض به ایران، با مقاومت شدید ایرانیان رو به رو بوده و عاقبتی شوم برای دشمنان ایران در پی دارد:

«ندانی که ایران نشست منست / جهان سر به سر زیر دست منست
 هنر نزد ایرانیان است و بس / ندادند شیر ژیان را به کس
 دریغ است ایران که ویران شود / کتاف پلنگان و شیران شود
 چو ایران نباشد تن من مباد / در این بوم و بر زنده یک تن مباد
 همه سر به سر تن به کشتن دهیم / به از آن که کشور به دشمن دهیم»

(همان: ص ۲۶۳)

یا در جای دیگر می‌فرماید:

«بگویند این جمله در گوش باد / چو ایران نباشد تن من مباد» (همان).

هسته مرکزی ایران، شاهنامه، همان ایران امروزی است و نام بیشتر شهرهای ایران در شاهنامه آمده است.

۳-۵. شهریار

شهریار سومین مرجع امنیت در شاهنامه است. نظام شاهنشاهی نوعی نظام حکومتی بوده که در آن شاهنشاه، برفراز هرم سیاسی کشور، بر شاهان نیمه‌مستقل ایرانی فرمان می‌راند. این نظام سیاسی در دوران هخامنشی پایه‌گذاری شد و در دوران اشکانی و ساسانی ادامه یافت. در این‌گونه نظام، همه کارها در کشور بر محور شاه می‌چرخید. او هسته مرکزی نیروهای فکری، سیاسی، اجتماعی، دینی، آیینی، نظامی و فرهنگی جامعه به‌شمار می‌آمد. واژه شاه نیز از پرکاربردترین و کلیدی‌ترین واژه‌های شاهنامه فردوسی است، حدود ۵ هزار بار در شاهنامه تکرار شده است.

۳-۵-۱. شهریار، نیرومندترین و برترین مردمان کشور

شاه در شاهنامه فردوسی سمبل استقلال کشور و نگهبان ایران در برابر هجوم خارجی است و نقش

محوری و حیاتی در اندیشه سیاسی ایران باستان دارد. مایه آرامش و امنیت در کشور است؛ رسیدن به جایگاه‌های بلند در کشور به دست او ممکن است؛ مایه نیکی و بدی بوده و دسترسی به همه چیز برایش ممکن است؛ به کسی نیازمند نیست؛ انسان‌هایی که سر به فرمانش نهند، خجسته‌تر و فرخنده‌ترند؛ قرّ و بخت او، مایه قرّ و بخت و نیکی در کشور است؛ او برخوردار از فره ایزدی است؛ سرپیچی از فرمانش مایه بدبختی است، حتی رنج از وی با گنج همراه است؛ او اندازه خراج را تعیین می‌کند و در این زمینه اختیار تام دارد؛ کارگزاران حکومت باید از رازداران باشند؛ دروغ‌گویان، سرکشان و آنان که در اجرای فرمان سستی می‌کنند، جایگاهی نخواهند داشت؛ کشتنش حرام است؛ نافرمانی، نشان بی‌خردی است؛ رهبر و راهنمای جامعه است.

«یکی پند آن شاه یاد آوریم / زگژی روان سوی داد آوریم» (همان: ص ۱۴)

در شاهنامه، شاهان همواره بی‌اندازه دولتمند هستند. وجود یک فرمانروا در کشور، حتی فرمانروای ستمگر، مایه آرامش و امنیت در کشور است. او نیرومندترین کس در کشور بوده و مانند او کسی نباید نیرومند باشد؛ زیرا که:

خردمند گوید که در یک سرای / چو فرمان دو گردد نماند به جای

شاه از پرکاربردترین واژگان در شاهنامه است و شهنشاه برترین مردمان به شمار می‌آید:

«شهنشاه بر مهتران مهتر است / ز کار آن گزیند کجا درخور است» (همان: ص ۴۴۱)

البته مردم تا زمانی از فرمان شاه پیروی می‌کردند که مطابق دستورات یزدان پاک و یکتا باشد. وقتی جمشید در مقابل خداوند اظهار منیت کرد، روزگارش آشفته شد و مردم از او در مقابل ضحاک حمایت نکردند:

«منی کرد آن شاه یزدان شناس / ز یزدان پیچید و شد ناسپاس» (همان، ص ۴۲)

۵-۳-۲. وجوب حفظ جان شهربار بر همه سربازان

حکیم طوس در ابیات زیر شاه را مرجع امنیت دانسته و حفظ جان او را بر همه سربازان تا پای مرگ واجب می‌شمارد:

«چو گیتی شود تنگ بر شهربار / تو گنج و تن و جان گرامی مدار

کز این تخمه نامدار ارجمند / نمانده است جز شهرباری بلند

به کوشش مکن هیچ سستی به کار / به گیتی جز او نیست پرودگار

دو دیده به شاه جهان بر مدار / فدای کن تن خویش در کارزار
 که زود آید این روز اهریمنی / چو گردون گردان کند دشمنی.
 در واقع، شاه در شاهنامه پشت و پناه لشکریان و مردم است:
 پس پشت لشکر کیومرث شاه / نبیره به پیش اندرون با سپاه»

(همان: ص ۹)

۵-۳-۳. شهریار واجد سه صفت خردمندی، موبدی و فره ایزدی

شاهان فره ایزدی دارند و تنها کسانی که این نیروی حمایت آسمانی را دارند، می توانند شاه شوند:

«چنان شاه پالوده گشت از بدی / که تابید از او فره ایزدی» (همان: ص ۱۱).

جمشید خود را دارای فره ایزدی می داند و شایسته شهریاری. معمولاً شاه هم نیروی دین و هم فره ایزدی

دارد:

«منم گفتم با فره ایزدی / همم شهریاری همم موبدی» (همان: ص ۱۲).

همان طور که در ابیات قبل مشخص است، خردمندی، موبدی و فره ایزدی با هم هستند و شاه همه را با

هم دارد:

«ز بالای او فره ایزدی / پدید آمد و رایب بخردی (همان: ص ۲۸۶).

ندیدم کسی را بدین بخردی / بدن برز و این فره ایزدی» (همان: ص ۶۰۷).

وقتی منیّت در جمشید شکل گرفت و دچار غرور گردید، فره ایزدی از او گرفته شد:

«بر او تیره شده فره ایزدی / به کژی گرایید و نابخردی» (همان: ص ۱۷).

«بگردد همی از ره بخردی / از او دور شد فره ایزدی» (همان: ص ۱۰۲).

هر شاهی که به سوی کژی و ناراستی میل کند، فره ایزدی از او دور می شود و این امر را خود شاهان هم

می دانستند. چنانچه کی خسرو می گوید:

«ز من بگسلد فره ایزدی / گر آیم به کژی و راه بدی» (همان: ص ۱۷۶).

«فر» یا «فرّه» نور، نیرو، توان، اندیشه، شکوه اهورایی و خداوندی بوده که از سوی او به بندگان برگزیده بخشیده شده است. این فرّه، ویژه شاهان نبوده، بلکه با این فرّه ایزدی پهلوانانی از ایران زمین زاده و زندگانی کرده اند. این فرّه شامل سرزمین ایران شهر نیز بوده و از ایران زمین به عنوان سرزمینی مقدس از سوی خداوند و اهورامزدا یاد شده است. همین داشتن نیروی فره ایزدی است که شاه را مقامی معنوی می کند و او را مرجع

امنیت قرار می‌دهد. شاه در شاهنامه کدخدای جهان است:

«گرانمایه شاه جهان کدخدای / به کرسی زرین ورا کرد جای» (همان: ص ۴۶).

شاهنشاهی در شاهنامه موروثی است و از پدر به پسر می‌رسد:

«پدر بر پدر شاه ایران تویی / گزین سواران و شیران تویی» (همان: ص ۵۶).

۵-۳-۴. موروثی بودن فره پادشاهی

پادشاهی در ایران باستان موروثی بود و هر کس خون شاهی داشت، دارای فره‌شاهی بود. به عبارت دیگر، همین فره‌شاهی که در شاهنامه از «فره‌ایزدی» هم برای اشاره به آن بهره برده شده است، به پادشاهان مشروعیت می‌داده و در شرایط آن روزگار، افراد محدودی دارای مشروعیت سیاسی بودند که باعث ثبات سیاسی یعنی یکی از مهم‌ترین نیازهای آن دوران می‌شد.

۵-۳-۵. گزی، نابخردی و ستمگری، سبب عدم مشروعیت شهریاری

براساس اسطوره‌های ایرانی از جمله با توجه به داستان‌های شاهنامه، اگر پادشاهی به کژی و نابخردی و ستمگری روی آورد، فره‌ایزدی از او دور می‌شود و دیگر شایسته پادشاهی نیست؛ یعنی مشروعیت خود را از دست می‌دهد.

برای مثال، جمشید (یکی از محبوب‌ترین پادشاهان اسطوره‌های ایرانی) که سالیان سال به آبادگری پرداخته بود، در نهایت به کژی گرایید و فره‌ایزدی از او دور شد.

در شاهنامه درباره جمشید، اینچنین آمده است:

«چُن این گفته شد فر یزدان از وی / بگشت و جهان شد پر از گفت‌وگوی» (همان: ص ۴۵).

هوشنگ خود را پادشاه هفت کشور می‌خواند و با مردم به عدل و داد رفتار می‌کرد. مردم هم او را گرامی

می‌داشتند و همراهی‌اش می‌کردند:

«که بر هفت کشور منم پادشا / جهاندار پیروز و فرمانروا» (همان: ص ۹).

۶. نتیجه‌گیری

امنیت، یکی از اساسی‌ترین و مسلّم‌ترین حقوق و نیازهای اولیه بشر بوده و بسیاری از جنگ‌ها و صلح‌ها برای به دست آوردن یا حفظ آن صورت گرفته است. یکی از مهم‌ترین وظایف دولت‌ها از گذشته‌های دور تا به حال، ایجاد امنیت و حفظ آن برای مردمانشان بوده است. از طرفی، ادبیات هر ملت

بیانگر اوضاع و احوال فرهنگی، اجتماعی و سیاسی و حتی امنیتی آن ملت در دوره‌های گوناگون می‌باشد. یکی از مهم‌ترین آثار ادبی ایرانی-اسلامی، شاهنامه فردوسی است که بی‌شک برترین اثر حماسی جهانی بوده و از همان آغاز پیدایش و نگارش، همانند رودی پر از آب، در جریان می‌باشد و بخش گسترده‌ای از نیازهای روحی و معنوی ایرانیان را درباره هویت خود و سرزمین‌شان برآورده ساخته است؛ از این‌رو، به‌عنوان سرمایه‌ای ملی و اجتماعی قلمداد می‌گردد. این کتاب به‌عنوان بزرگ‌ترین منبع تاریخ، فرهنگ و هویت ملی، انباشتی از روابط و پیوندها میان افراد جامعه ایرانی را بیان کرده و دارای آثار متعدد اجتماعی، سیاسی، اقتصادی، فرهنگی... بوده و تأثیر شگرف خود را بر تمام لایه‌های اجتماعی جامعه گذاشته است. پژوهش حاضر با مبنا قرار دادن متن شاهنامه فردوسی، درصدد پاسخ به چستی مرجع امنیت با روش توصیفی-تحلیلی بوده است.

مرجع امنیت از آن جهت ضرورت دارد که هم مسائل امنیتی و هم اهداف و غایات بر مبنای آن تعریف می‌شود و از این جهت مورد مناقشه امنیت‌پژوهان است و ساختار، فرهنگ، ایدئولوژی و غیره در معنای آن اثر می‌گذارد. از این‌رو، مرجع امنیت در مکاتب مختلف است و دربردارنده مفاهیمی همچون فرد، رژیم، جامعه، دولت و جامعه جهانی می‌باشد.

در پژوهش حاضر با تحلیل مضمون ابیات شاهنامه فردوسی و بر مبنای چارچوب تحلیلی دوفطرت امام خمینی نشان داده شد که مرجع امنیت در مکاتب متدانیه، مبتنی بر رژیم، دولت، جامعه و افراد است؛ اما در مکتب متعالیه مبتنی بر اسلام تعریف و تحدید می‌گردد؛ از این‌رو، فردوسی با اقتباس از شریعت، به سه مرجع برای امنیت در شاهنامه اشاره می‌کند که به ترتیب شامل دین، کشور و شه‌ریار خوب می‌شود که افراد جامعه حاضرند برای حفظ آن‌ها جانفشانی کنند. دین و کشور و شه‌ریار که هر سه مورد، هم مرجع امنیت و هم امنیت سازند و اگر خطری متوجه آن‌ها شود، پهلوانان، لشکریان و مردم عادی برای صیانت از آن‌ها تا پای جان می‌کوشند. دین چه در مفهوم وجدان و چه در معنای باور و اعتقاد باشد، همراهی آن با دانش و خرد و راستی بایسته و شایسته است.

شاهان شاهنامه اغلب خردمند هستند و در نکوداشت مردم و پاسداشت آیین و دین آن‌ها تلاش می‌کنند. اگرچه گاهی هم با شاهان کم‌خرد در شاهنامه مواجه می‌شویم؛ ولی همه شاهان مرجع امنیت هستند. رستم حتی زمانی که از بی‌خردی‌های کاوس به ستوه می‌آید؛ اما فرمان او را اطاعت می‌کند. بنابراین، شاه در همه حالات مرجع امنیت است.

اهمیت ایران به معنی سرزمینی که فقط به ایرانیان تعلق دارد، در جاهای مختلف شاهنامه آمده و شاهان ایرانی، امنیت کشور را بر حفظ جان خویش مقدم می‌دانستند و تا امنیت آن تأمین نمی‌شد، از پای نمی‌نشستند. این امر در حماسه‌های هند و اروپایی بی‌سابقه بوده و خون‌های بسیاری از پهلوانان، شاهان و مردم با حرفه‌های مختلف در راه پاسداشت حریم کشور بر زمین ریخته شد.

فرمانروایی و شهریاری پایه و پشتوانه ایزدی دارد. در شاهنامه از زبان جمشید می‌خوانیم که: «همم شهریاری همم موبدی». در واقع، شاهان یاری‌گر دین بودند و موبدان را وزیر و راهنمای خود در مسائل مختلف می‌کردند. بعضی از شاهان در شاهنامه حتی در مقام موبدی عمل می‌کنند. بعضی هم در کهنسالی فرمانروایی و ملک را رها می‌کنند و در معبدی به عبادت خداوند مشغول می‌شوند. نبرد بین ضحاک و فریدون هم نبرد آیینی است؛ نبرد بین نیروهای اهریمنی و نیروهای اهورایی که در نهایت با همراهی مردم ضحاک اهریمن خوشکست می‌خورد. کشور هم از مهم‌ترین مرجع امنیت است. برای حفظ و پاسداری ایران جانفشانی‌های بسیاری از طرف پهلوانان و مردم شده است. هر از گاهی دشمن تورانی یا دیوان اهریمنی، جنگی به راه انداخته و امنیت کشور را به خطر می‌اندازند. شاهان برای حفظ آن تدبیر می‌کنند و پهلوانان هم جانفشانی و دلاوری نشان می‌دهند.

منابع

- ابوالحسنی (منذر)، علی (۱۳۷۶). بوسه بر خاک پی حیدر(ع): بحثی در ایمان و آرمان فردوسی و پرتوگیری شاهنامه از قرآن و احادیث معصومین(ع). قم: پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی.
- استراوس، انسلم؛ کریبن، جولیت (۱۳۹۱). مبانی پژوهش کیفی: فنون و مراحل تولید نظریه زمینه‌ای. ترجمه ابراهیم افشار. تهران: نشر نی، چاپ دوم.
- افتخاری، اصغر (۱۳۸۳). مراحل بنیادین اندیشه در مطالعات امنیت ملی. تهران: پژوهشکده مطالعات راهبردی.
- افتخاری، اصغر (۱۳۹۱). تهدید نرم: رویکرد اسلامی. تهران: پژوهشکده مطالعات فرهنگی و اجتماعی وزارت علوم، تحقیقات و فناوری.
- افتخاری، اصغر (۱۳۹۲). راهبرد پیشگیری در امنیت بین‌الملل، رهیافت‌های عرفی‌گرا و شریعت‌مدار. پژوهش‌های سیاست اسلامی، شماره ۴.
- بوزان، باری (۱۳۸۹). مردم، دولت‌ها و هراس. تهران: پژوهشکده مطالعات راهبردی، چاپ دوم.
- بوزان، باری؛ ویور، الی؛ دووولد، پاپ (۱۳۸۶). چارچوبی تازه برای تحلیل امنیت. ترجمه علیرضا طیب. تهران: پژوهشکده مطالعات راهبردی.
- بهار، مهرداد (۱۳۸۸). نگاهی به تاریخ و اساطیر ایران باستان. تهران: علم.
- خالقی مطلق، جلال (۱۳۸۱). سخن‌های دیرینه (سی گفتار درباره فردوسی و شاهنامه). به کوشش علی دهباشی. تهران: افکار.
- ره‌پیک، سیامک (۱۳۸۷). نظریه امنیت جمهوری اسلامی ایران. تهران: دانشگاه عالی دفاع ملی.
- صدیق سروسستانی، رحمت‌الله (۱۳۷۵). کاربرد تحلیل محتوا در علوم اجتماعی. نامه علوم اجتماعی، ۸(۸).
- عابدی جعفری، حسن؛ تسلیمی، محمدسعید؛ فقیهی، ابوالحسن؛ شیخزاده، محمد (۱۳۹۰). تحلیل مضمون و شبکه مضامین: روشی ساده و کارآمد برای تبیین الگوهای موجود در داده‌های کیفی. اندیشه مدیریت راهبردی، ۵(۱۰).
- عبدالله‌خانی، علی (۱۳۸۹). نظریه‌های امنیت: مقدمه‌ای بر طرح‌ریزی دکترین امنیت ملی. تهران: مؤسسه فرهنگی مطالعات و تحقیقات بین‌الملل ابرار معاصر، چاپ دوم.
- فردوسی، ابوالقاسم (۱۳۸۹). شاهنامه. تهران: سخن.
- کزازی، میرجلال‌الدین (۱۳۹۲). دفتر دانایی و داد (بازنویشت شاهنامه). تهران: معین.
- لکزایی، نجف (۱۳۹۳). امنیت متعالیه. سیاست متعالیه، ۲(۵).
- مهرآبادی، میترا (۱۳۷۹). شاهنامه. تهران: روزگار، ج ۲-۱.

Baldvin, D.A. (1997). The Concept of Security. *Review of International Studies*, No.23, p. 5-26

Braun, V. & Clarke, V. (2006). Using Thematic Analysis in Psychology. *Qualitative Research in Psychology*, 3(2): p.77-101.

Davis, D. (1992). *Epic and Sediton: The Case of Ferdowsis Shahnameh*, Fayetteville. University of Arkansas Press.